



تفاوت (مجاز / استعاره / کنایه)

این سه آرایه در ادبیات فارسی معنی واقعی ندارند.

#مجاز: چنان چه واژه ای در معنی واقعی اش به کار نرود "مجاز" است.
به عبارتی ساده چنان چه به جای چیزی "محل یا جز و کل" چیزی را به کار ببریم؛

✓بر آشفته ایران و برخاست گرد.
✓به کشتن دهی سر به یک بارگی
✓دست در حلقه ی آن زلف دوتا نتوان کرد.
✓مر زبان را مشتری جز گوش نیست.
✓همت حافظ و انفاس سحر خیزان بود
که زبند غم ایام نجاتم دادند

در مثال های بالا

ایران مجاز از "مردم" به علاقه ی محل /سر مجاز از "کل وجود" به علاقه ی جز /
دست مجاز از "انگشت" به علاقه ی کل /زبان مجاز از "سخن" به علاقه ی ابزار /انفاس مجاز از
"سخنان یا نصایح" به علاقه ی سببیه است.

#استعاره : استعاره نیز نوعی مجاز به علاقه تشبیه است ،چرا که "مشبه به" را به جای مشبه به کار
می بریم.

✓غضنفر(شیر)بزد تیغ بر گردنش
✓دلا تا کی در این زندان فریب این و آن بینی.
✓ای دیو سپید پای دربند

در مثال های بالا چه واژه هایی غیر واقعی یعنی در اصل "مشبه به" اند؟

غضنفر: استعاره از "حضرت علی"

زندان: استعاره از "دنیا"

دیو سپید: استعاره از "دماوند"

#کنایه:

هرگاه "افعال مرکبی" را در غیر معنی ظاهری به کار ببریم، از کنایه بهره برده ایم.

✓ سر سرکشان زیر سنگ آورد

✓ هنوز از دهن بوی شیر آیدش

✓ عنان را گران کرد او را بخواند

سر زیر سنگ آوردن: کنایه از کشتن کسی

از دهن بوی شیر آیدش: بی تجربه بودن و خردسالی

عنان گران کردن: کنایه از متوقف کردن اسب